



عاقله جعفری خبرنگار گروه فرهنگ

می‌گفت: «انگار اسمال فرق داره، قرار است خیلی از بچه‌های جدید شعر بخوانند یا کسایی که در این چند سال شعر نخونده‌اند.» با هم صحبت می‌کنند و صدای سرورصدا و مهمهم حیاط را برداشته است. گاهی هم با ورود فردی جدید، سلام و عیلمک‌ها تاز می‌شد. دوباره همان صحبت‌ها و اینکه چه کسانی اسمال شعر می‌خواند. نیمه رمضان برای شعرا انکار رنگ و بوی دیگری دارد. جمع شدن در حیاط حنوزه هنری و گپ‌گفت و بعد هم رسیدن به حسینیه امام خمینی و سرآمدن انتظاری برای چند ساعت گفتن از شعر. برخی چهره‌ها را برای اولین بار می‌دیدم و انگار این اولین بار دیدن با همان حرف‌هایی که شنیده بودم مطابقت داشت و نتیجه‌اش حتما ترکیب متفاوتی از شعرهایی است که قرار بود بشنوم.

چهره‌های آشنا

میلاذ عرفان پور می‌خواهد که همه جمع شوند تا چند نکته را بگوید. بالای پله می‌رود و شروع به حرف زدن می‌کند و از نظمی می‌گوید که اسمال برای جلسه در نظر گرفته‌اند، تا شماره صندلی‌ها که هر کسی روی همان شماره‌ای بنشینند که در دستش قرار دارد و کمی از جلسه سال گذ‌شته و بی‌نظمی‌های که وجود داشت، کم‌کم همه به سمت اتوبوس‌ها می‌روند. برخی از شاعران جوان در حال تمرین شعرخوانی هستند و با اجرا برای دوستانشان سعی می‌کنند استرس شان را دور کنند. چون باید کارتزم را در ورودی حسینیه می‌گرفتم زودتر رسیدم و بنا چند نفر از بچه‌هایی که برای روایت این برنامه آماده بودند، وارد شدیم. حسینیه تقریبا هنوز خلوت بود و چند نفری از شعرا رسیده بودند. قرار بود نماز اذیتجا خوانده شود و بعد هم افطار. کنار صندلی‌ای که برای آیت‌الله خامنه‌ای گذاشته بودند، میزبان قرار گرفته بود و روی آن کتاب‌های شاعران بود تا ایشان ببینند. کم‌کم حسینیه شلوغ شد و چهره‌های آشنا را می‌دیدم. علی موسوی‌گرماوردی، افشین علا، حامد عسکری، حمیدرضا برقی، محمدمهدی سیار، محمدکاظم کاظمی، محمدعلی مجاهدی و… در حال نگاه کردن به اطراف بودم که صدای صلوات در حسینیه پیچید و رهبری وارد شدند و سلام و علیک گرمی با کسانی که در صف اول بودند، کردند و روی صندلی نشستند. میلاذ عرفان پور و دامادان، رئیس حوزه هنری آن جلو کنارشان قرار گرفتند و یک به یک اسم شاعران را از روی کتاب‌ها می‌خواندند تا جلو بپرند و کتاب‌شان را معرفی و بعد هم تقدیم کنند.

از لطف پدر

فاطمه عارف‌نژاد، لیلا حسین‌نیا، فاطمه افشاریان، امید مهدی‌نژاد، محمود حبیبی‌کسبی، عاقله جوشاقیان و… ازجمله شاعرانی بودند که نام‌شان خوانده شد و کتاب‌هایشان را به رهبری دادند و چند کلامی صحبت کردند. هر کدام که برمی‌گفتند، می‌پریدم که چه گفتند و شنیدند. فاطمه افشاریان از پدرش یاد کرده بود و کتابش که سال گذ‌شته در نمایشگاه کتاب رونمایی شده بود از تقدیم کرده بود. عاقله جوشاقیان سلام پدرش را رسانده بود و تعریف کرد: «به آقا گفتم می‌خواستم قبل از اینکه شعرم را در جلسه بخوانم یک رباعی هم بخواتم. اجازه‌ی می‌دید رباعی را الان بخواتم؟ ایشان تأیید کردند و من هم خواندم»:

رویدم و همیشه بی‌قرار آمده‌ام اشکیم و دوباره سوگوار آمده‌ام از لطف پدر همتم برایم کافی است ماگریه‌کن حسین بار آمده‌ام

نزدیک‌ترین صندلی

صدای اذان بلند می‌شود و صف‌ها مرتب تا نماز خوانده شود. دو نفر کنارم با هم صحبت می‌کنند یکی شاعر و یکی از نیروهای اوزرآنس که معتقدند

حاشیه‌نویسی خبرنگار «فرهیختگان» از دیدار شعرا با رهبر انقلاب

شب خاطره‌انگیز انجمن ادبی کشور دوست



گفتند این بیت آخر از همه بهتر بود. شما از هند یک سفر زیارت به قم کردید.

تخیل زیبا در شعر

مانند هاشمی اولین شاعر زنی است که شعر می‌خواند و به گفته خودش غزلی دفاع مقدسی را «چند بالشت چید دور و برش، تختخوابش شبیه سنگر شد دور این سنگر از غروسک‌هاش، آقدر چید تا که لشکر شد دید خالیست دست دشمن او، چند تا موشک از مقوا ساخت خواست بازی کند ولی کم کم، جنگ یک جنگ نابرابر شد» شعرش که با پایان رسید رهبری با تحسین بسیار شعر گفتند: «چه ظرافت و تخیل زیبایی در شعر داشتید. همین‌ها می‌تواند چهره‌های جدیدی از شعر باشد.»

آنها عقل‌شان نمی‌رسد!

پروفسور آزمدیخت صفوی، رئیس انجمن استادان هندوستان میهمان دیگر این مراسم بود و بعد از اینکه نوبت به صحبتش رسید، گفت: «سلام و درود عرض می‌کنم خدمت رهبر معظم ایران که اینقدر در شعر و ادب ذوق دارند. من بسیار خوشحالم که اینجا هستم و با چشم خودم این ذوق شعری شما را دیدم که با تسلط اشعار را تصحیح هم می‌فرمایید که این نشان از شخصیت متفاوت شماست. کاش در کشورهای دیگر هم رهبران اینقدر به شعر توجه می‌کردند…» به اینجاى صحبت‌های این استادی هندی که رسید، رهبری گفتند: «آنها عقل‌شان نمی‌رسد.» همین کلام باعث خنده جمع شد. صفوی حرف‌هایش را ادامه داد و گفت: «دل‌م می‌خواست شعری از حافظ در این جلسه بخوانم اما فراموش کردم. اما باید بگویم آق‌ای قزوه همه را در هندوستان شاعر کردند.» رهبری بعد از صحبت او گفتند: «ماه خوشحالی ماست که فارسی‌دوستانی داریم و به وجود آنها و انگیزه‌هایی که دارید افتخار می‌کنیم.»

شعری برای هیا، کودک فلسطینی

طیبه عباسی شعرش را به هیا کودک فلسطینی که قبل از شهادت با نقاشی وصیتی کرده بود و همه وساییش را بخشید تقدیم کر دو خواند: «خوب می‌داند شهادت تازه آغاز حیات است آخر نامه‌ایه راجون را می‌نویسد سال‌های بعد پیروزی معلم روی تخته نام او را در میان بهترین‌ها می‌نویسد» رهبری بعد از شعرخوانی او گفتند: «آقرین، خیلی خوب، به جا و مطابق با نیاز زمان و جامعه بود.»

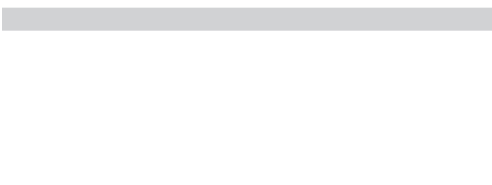
پدرم مثل کوه محکم بود

ندا نوروزی شاعر دیگر بود که ابتدا سلام همکاران آتش‌نشان را رساند و بعد هم شعری را در مورد اقتصاد و وضعیت روز خواند، شعری که به پدرش تقدیم کرد: «با غم روزگار سر می‌کود پدرم مثل کوه محکم بود زندگی را برای ما می‌خواست سهمش از روزگار خوش کم بود»

رهبری بعد از شعرخوانی این شاعر گفتند: «مهم این است که در شعرهای خانم‌ها که گاهی نگاه می‌کنم، شعرهای خانوادگی زیاد است. خانم‌هایی که برای همسرشان شعر گفتند، یا پدرشان شعر گفتند، برای فرزندشان شعر گفتند، برای برادر شهیدشان شعر گفتند، این خیلی رایج شده. بسیار کار خوبی است.»

شاعران افغانستانی و شعرهای محکم و رسا

چند شاعر افغانستانی در این دیدار شعرخوانی داشتند، ازجمله ع سیدحکیم بینش. بعد از شعرخوانی، او، رهبری شعری خواندند:



از گزنت در طول چند ساله که از این طرح گذ‌شته بود به دست مان رسید و منتشر کردیم، اما اطلاعات گزنت در سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ هیچ وقت رسانه‌ای نشد. بارها از مسئولان معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی این موضوع را پیگیری کردیم اما جوابی که گرفتیم این بود که می‌خواهم تغییراتی در موضوع گزنت بدهیم و فعلا اطلاعاتش منتشر نمی‌شود! در بیشتر کشورهایی که صنعت نشر آنها از مرز کشورهایشان فراتر رفته و بازارهای نشر خارجی را در اختیار گرفته‌اند یا مشارکت فعال دارند، معمولاً از حمایت‌های دولتی برخوردارند. البته که این جنبش حمایت‌ها بعد از هدف‌گذاری در سیاست توسعه‌نشر در هر کشور متفاوت است و دولت‌ها برنامه‌ها و راهبرد‌های مشخصی را تنظیم و سازمان‌های مشخصی را برای پیشبرد این برنامه‌ها تاسیس کرده‌اند. برخی

«زیس نازک مزاجم ناز گردون برنمی‌دارم من آن شاخم که نکبت بار سنگینی است بر دوشم»

این شعر باعث شد تا همه ایشان را تشویق کنند و علیرضا قزوه فکر کرد که این شعر سروده رهبری است اما ایشان در جواب گفتند: «این شعری یک شاعر افغانستانی است که ۵۰ سال پیش برابم خواندند و من همین چند روز پیش این را برای یکی از دوستان خواندم.» محمدکاظم کاظمی قرار نبود شعر بخواند اما تا نام شاعران افغانستانی آمد که شعر بخوانند، رهبری اشاره کردند، یعنی آقای محمدکاظم کاظمی شعر نمی‌خواند و همین حرف باعث شد او پشت میکروفن قرار بگیرد و غزلی کوتاه بخواند که به گفته خودش، در آستانه برافتادن حکومت قبلی در افغانستان و حکومت جدید بود که این شعر را می‌سراید: به‌زودی قدرت بی‌قدرتان تسلیم خواهد شد/به جایش دولت بی‌دولتان تحکیم خواهد شد

جهان در قرن نو بر صفحه تقویم می‌رقصد/وطن آماده برگشتن تقویم خواهد شد نصیب مردمان تخت سلیمان و دم عیسی/نصیب ما همان چاقوی ابراهیم خواهد شد

به قانون خدا نان حلالی بود مردم را/ که آن هم با قوانین بشر تحریم خواهد شد قرانی‌مانده از قرنی غریبی در کف ملت/ که بین دزد خوب و دزد بد تقسیم خواهد شد

به تنظیمات اصلی بازمی‌گردد بشر آخر/ و روی حالت «بل هم اصل» تنظیم خواهد شد

خدا می‌گوید آن چیزی که من گفتم نشد انسان/ ملک می‌گوید آن چیزی که ما گفتیم خواهد شد»

رهبری بعد از شعرخوانی او شعرهایش را رسا، بلیغ و گویا دانستند و گفتند: «ایشان شاعر بسیار خوبی هستند و همیشه توصیف‌هایی از کشورشان را با زبان رسا و بلیغ می‌سرایند. هم لفظ و هم موضوع بسیار خوب است.»

آقای علا شعر نمی‌خوانند؟

دیگر به آخر مراسم نزدیک شده بودیم حدوداً ۶ ساعت بود که شاعران در انتهای خیابان کشور دوست در دیداری صمیمانه در حال شعرخوانی بودند اما هیچ‌کس خسته نبود. محتری دوسه نام‌را به عنوان اسامی پایانی می‌خواند که شعر بخوانند و جلسه تمام شود. اما آیت‌الله خامنه‌ای با خنده گفتند: «پس آقای افشین علا چطور؟» علا هم شعری که برای مادرش سروده بود را می‌خواند و بعد قرعه به نام محمدمهدی سیار می‌افتد که او هم چند رباعی را می‌خواند و حالانوبت به شنیدن می‌رسد. توصیه‌هایی که حتما برای اهالی ادبیات راهگشا خواهد بود.

ترجمه کار مهم و سخت دولت است

ایشان شعر را رسانه‌ای تأثیرگذار دانستند و گفتند: «شعر رسانه‌ای مهم و تأثیرگذار در دوران جنگ رسانه‌ای است. در این عرصه باید از میراث کم‌نظیر شعر و ادب فارسی به عنوان رسانه‌ای قدرتمند و اثرگذار و نافذ به بهترین وجه استفاده شود و پیام‌های دینی، تمدنی، ایرانی‌گری و ایستادگی و شجاعت به افکار عمومی دنیا منتقل شود. این جلسه نباید جلسه‌ای زینتی باشد بلکه ضروری است امتداد داشته باشد و با دنبال کردن مطالبی که در آن مطرح می‌شود به تأمین مقاصد و اهداف مورد نظر در زمینه اعتلای شعر کمک شود.» شاید مهم‌ترین صحبت ایشان را باید ترجمه آثار ایرانی مخصوصا شعر دانست که تأکید کردند: «شعر خوب باید در معرض استفاده افکار عمومی دنیا قرار بگیرد، بنابراین باید نهضت ترجمه ایجاد شود تا اشعار با نثر شاعرانه، گویا و قوی در اختیار دیگران قرار گیرد که این کار مهم و سخت، کار دولت است.» دیدار شاعران در رمضان ۱۴۰۳ هم به پایان رسید. دیداری که مانند دیدارهای قبلی بود و نبود. شاعرانی که از اقصی نقاط کشور آمده بودند تا شعر بخوانند و نکات مشخص اول کشور را در مورد شعرشان بشنوند. اینجا در حسینیه اسام خمینی، همزمان با ۱۵ رمضان، دیداری برگزار شد که جنبش متفاوت از دیدارهای این حسینیه بود و هست.



معتقدند، عمده آثار ایرانی که با حمایت دولت ترجمه و چاپ می‌شوند فاقد کیفیت خوب ترجمه به زبان مقصد و توزیع و پخش در کشورهای هدف هستند. اقداماتی که در زمینه حضور نشر ایران در نمایشگاه‌های کتاب انجام می‌پذیرد، اغلب در قالب کار اداری موسسات دولتی است که بیشتر نقش معرفی آثار ایرانی در کشورهای خارجی را دارند و برای واگذاری و فروش حق‌التالیف و ترجمه کتاب‌ها به ناشران خارجی تلاش نمی‌کنند. کتاب‌هایی که در ایران توسط موسسات دولتی ترجمه و چاپ می‌شوند معمولاً اجازه ورود به شبکه توزیع در کشورهای خارجی پیدا نمی‌کنند و بیشتر در کتابخانه‌های اربزنی‌های فرهنگی خارج از کشور انبار می‌شوند یا به بعضی موسسات دولتی یا کرسی‌های ابرانسناسی و کتابخانه‌های دولتی اهدا می‌شوند.

آمار طرح گزنت از سال ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۰	
تعداد ناشران	۴۶
آژانس‌های ادبی ایرانی	۶
تعداد کتاب‌ها	۴۲۲
تعداد کشورها	۲۹
تعداد زبان‌ها	۲۰
پرتکرارترین زبان ترجمه‌شده	زبان چینی ۸۷- زبان کره‌ای ۷۷
بیشترین کشورهایی که مضمون این طرح شده‌اند	چین و کره
پرتکرارترین ناشر	شیابویز
۷۰ میلیارد ریال تا سال ۱۴۰۰ بودجه سال ۱۴۰۱، ۳ میلیارد تومان بوده است اما تخصیصی که صورت گرفته مشخص نیست. برای سال ۱۴۰۲ هم که هنوز اعلام نشده است.	

طبق این جدول مشخص می‌شود که طی ۷ سال بودجه این طرح ۱۰ میلیارد تومان بوده و ۴۲۲ کتاب طی این ۶ سال (آمار سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ اعلام نشده است) مضمون این طرح شده‌ اند و به‌طور میانگین ۷۰ کتاب در هر سال انتخاب شده است. این تعداد کتاب با توجه به آمار نشر در سال ۱۴۰۰ که بیش از ۱۴ هزار عنوان کتاب منتشر شده درمقایب ترجمه‌های طرح گزنت بسیار ناچیز است. اگر آمار ناشران را هم جداگانه حساب کنیم، حدوداً ۱۵۰ تا ۲۰۰ عنوان کتاب طی یک‌سال ترجمه و به‌خارج از کشور فرستاده می‌شود که آمار بسیار اندکی است.